

عبور از بندهای پنهان

حمیده پهلوسای



پاییز ۱۳۹۱

نشر شادان



گروه فرهنگی انتشاراتی

انتشارات شادان

دفتر مرکزی:

تهران، کوی نصر (گیشا)، خیابان جوادفاضل جنوبی.

شماره ۱۰۲. تلفن: ۸۸۲۶۷۲۹۸ - ۸۸۲۴۱۰۲۰

فروشگاه (آینده):

تهران، کوی نصر، بین خیابان یازدهم و سیزدهم.

شماره ۲۰۲. تلفن: ۸۸۲۶۹۶۶۰ - ۸۸۲۷۴۶۷۷

www.shadan-pub.com

shadan@shadan-pub.com

عبور از بندهای پنهان

نویسنده: حمیده پهلوسای

نوبت چاپ: اول - پاییز ۱۳۹۱

ویراستار: رضی پور

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۱۹-۷۳-۴

کتابخانه ملی: ۲۸۶۱۳۵۸

تراژ: ۲۵۰۰ جلد

قیمت: ۲۲۵۰۰۰ ریال

یادآوری: کتب حقوق این اثر متعلق

به انتشارات شادان می باشد و هرگونه

استفاده از آن یا مجوز ناشر مجاز است.



غیرمجاز برای

دانلود رایگان

استفاده از کتاب های شادان برای قرار

دادن در سایت های مختلف - به هر شکل -

غیرمجاز و به دور از اصول اخلاقی است.

پهلوسای . حمیده

عبور از بندهای پنهان - نویسنده: حمیده پهلوسای

تهران: شادان ۱۳۹۱ ۶۵۸ صفحه /

(رمان ۱۱۴۴)

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۱۹-۷۳-۴

ISBN: 978-964-2919-73-4

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

داستانهای فارسی - قرن ۱۴

ع ۸۷ هـ / PIR ۷۹۹۲

۱۳۹۱

۸۵۳/۶۲

۲۸۶۱۳۵۸

کتابخانه ملی ایران

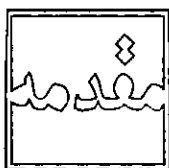
گذر از بندهای زندگی...

می‌گویند - و بدون تردید درست هم می‌گویند - که عشق مادر به فرزند در هیچ قاعده و ظرفی نمی‌گنجد و قیدی بر آن نمی‌توان گذاشت. فرزند، در هر حال و در هر سن و سالی، همچنان برای او فرزند است و مادر، آن عشق و محبت بی‌دریغ را نثارش می‌کند. خوب و بد بودن فرزند - یا به اصطلاح قدیمی‌ترها خلف و ناخلف بودن وی - فقط دل مادر را می‌آزارد و می‌شکند ولی نمی‌تواند آن بندهای ماددنی عشق را پاره کند.

می‌دانم تجربه دیدن خانواده‌ای را داشته‌اید که از هم گسسته و به جدایی زن و شوهر منجر شده است ولی کمتر مادری را می‌توان دید که از فرزند خود بگذرد. یعنی چنین اتفاقی به ندرت پیش می‌آید تا احوال و دلایل مادر به گونه‌ای گردد که حتی حاضر شود از آن عشق و علاقه بی‌حد و اندازه به فرزندان بگذرد و آنان را بگذارد و برود.

در این شرایط رابطه میان زن و شوهر به آن حدی از دلزدگی می‌رسد که فرزندان بهانه‌ای می‌شوند برای تسویه حساب‌های میان آن دو، یا شاید مادر به دلایل مالی و مادی توان نگهداری فرزندان را در خود نمی‌بیند و از آنان می‌گذرد.

به هر حال سخت‌ترین لحظه برای هر مادری، جدایی اجباری از فرزند است و اگر از آغاز، زندگی مشترک



خود را بر مبنای تحمیل و احتیاج - و نه کوچکترین دلیل عاشقانه و حتی علاقه - گذاشته باشد، این لحظه جدایی سخت تر به نظر می رسد: کسی که زندگی با شریک خود را با اجبار و از سر نیاز شروع کرده و پس از مدتی تاب و تحمل از کف می دهد و با هزار ترفند به جدایی می رسد و در آن حال به دلایل گوناگون، حتی از بودن با فرزند نیز می گذرد... شاید این سخت ترین کار در زندگی هر زنی است که تجربه مادر بودن را داشته است.

«عبور از بندهای پنهان» به راستی داستان گذشتن از تارهایی است که بی دلیل و با دلیل به دور آدم تنیده می شود و روز به روز بیشتر از قبل گرفتارش می کند: هر روز سخت تر و دست و پاگیرتر از دیروز. و هنگامی که می خواهی از اسارت شان رها شوی، دیگر آن اندازه دیر شده که نه شخص را یارای چنین کاری است و نه دیگران به راحتی اجازه اش را می دهند.

روایت قصه توسط نویسنده به خوبی بیان شده و گوشه ای از همین بندها را برای خواننده خود می نمایاند و قهرمان داستان را بر حسب ناگزیری ها به انتخاب و امیدارد. انتخابی که هر یک از ما در آن لحظه، به سختی می توانیم تصمیم درست درباره اش بگیریم و شاید مثل بسیاری دیگر از افراد، تن دهیم به ماندن در بندهای زندگی و سوختن و ساختن! زیرا که گذشتن، کار هر کس نیست و دلی دریایی می طلبد.

دل های تان دریایی...

بهمن رحیمی

آذر ماه ۱۳۹۱ - تهران

سپهر